

## بررسی تاثیر قابلیت های مدیریت و ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

امیرحسین احتشام زاده

کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی دانشگاه آزاد واحد الکترونیکی  
a.ehteshamzadeh77@gmail.com

### چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی تاثیر قابلیت های مدیریت و ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. جامعه آماری تحقیق، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ بود، که با نمونه گیری صورت گرفته، تعداد ۱۳۵ شرکت انتخاب گردید. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی همبستگی بود. اطلاعات صورت های مالی شرکت ها به روش کتابخانه ای و با مراجعه به لوح های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار تدبیر پرداز، سایت سازمان بورس گردآوری شد. به منظور آزمون فرضیه ها، ابتدا مدل های رگرسیون آماری تخمین زده شد. سپس مدل رگرسیون برای فرضیات بررسی شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد قابلیت های مدیریت و ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: قابلیت های مدیریت، ارتباطات سیاسی، گزارشگری مالی متقلبانه، بورس اوراق بهادار.

## مقدمه و بیان مسئله

توانایی مدیریت یکی از بعدهای سرمایه انسانی شرکتهاست که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می شود (دمیرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می کنند. این منابع در شرکتها شامل بهای موجودی ها، هزینه های فروش، اداری و عمومی، دارایی های ثابت مشهود، اجاره های عملیاتی، هزینه های تحقیق و توسعه و دارایی های نامشهود شرکت می شود (حاجب و همکاران، ۱۳۹۳). واحدهای تجاری تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت دارند، زیرا از این طریق تحت حمایت های دولت واقع می شوند. این روابط منافع زیادی نظیر تخفیف های مالیاتی و دسترسی آسان تر به اعتبارات را در پی خواهد داشت لذا می توان بیان کرد، در نظام های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت های دارای روابط محسوب می شود. شرکت های دارای روابط سیاسی، راحت تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباط خود دست می یابند. در این راستا برخی مدیران شرکتها درصدد برقراری و حفظ ارتباط بین شرکت و دولت با هدف رفع محدودیت های مالی با کمترین هزینه هستند نفوذ و حمایت سیاسی دولت را می توان از دو جنبه مزایا و معایب، مورد بررسی قرار داد. حمایت سیاسی دولت، ممکن است منجر به ایجاد ارزش برای شرکت شود برای مثال، شرکت هایی که از ارتباط خوبی با دولت برخوردارند، مالیات کمتری می پردازند، سهم بازار بیشتری دارند، وام های بانکی با سهولت بیش تری برای آنان فراهم می شود، دولت در عرضه عمومی سهام، به آنها کمک می کند و نسبت به سایر شرکتها، آسان تر و با پرداخت هزینه کمتری از امتیازهای مهم بهره مند می شوند (لئوز و ابرهالزر-گی، ۲۰۰۶).

اگرچه حمایت دولت، مزیت هایی مثل هزینه کمتر تامین مالی را برای یک شرکت خاص به ارمغان می آورد، اما از طرف دیگر ممکن است منجر به ناکارایی عملکرد شرکت گردد (رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۶). بر اساس مفاهیم مثلث تقلب (کرسی، ۱۹۵۰)، فشارهای مالی و نیازها می تواند مدیران را به انجام اقدامات متقلبانه وادار نمایند. در واقع می توان گفت، زمانی که شرکت برای دو سال متوالی زیان گزارش می کند و یا دارایی های خالص هر سهم در سال اخیر منفی می شود، سهام شرکت تحت شرایط ویژه قرار می گیرد. ترس از قرار گرفتن در این چنین شرایطی، شرکتها را ممکن است به تقلب اجبار نمایند. مدیران توانا، به واسطه بهبود عملکرد، فشارهای مالی بر شرکت را کاهش می دهند بنابراین انتظار می رود، توانایی مدیریت به کاهش احتمال تقلب در صورت های مالی منجر گردد. از طرفی دیگر، پژوهش های پیشین نشان می دهد که عملکرد شرکت و مکانیسم های حاکمیت شرکتی آن به شدت تحت تأثیر سیاست های دولتی قرار دارند. در پژوهش حاضر بر یکی از مهم ترین ویژگی های مدیران، یعنی توانایی مدیریت تمرکز می شود. چرا که توانایی مدیریت و دانش آنان در خصوص فعالیت های تجاری می تواند بر کارایی قضاوت ها و برآوردهایشان مؤثر باشد؛ بنابراین می توانند استفاده بهینه ای از منابع شرکت داشته باشند و در نهایت عملکرد شرکت را بهبود بخشند. علاوه بر این ریسک ورشکستگی با توانایی مدیریت رابطه منفی دارد. به بیانی دیگر، هرچه تیم مدیریتی تواناتر باشد، ریسک ورشکستگی مالی شرکت و به تبع آن ریسک تداوم فعالیت و ریسک حساسی کاهش می یابد (کریشن و همکاران، ۲۰۱۵).

بر اساس مفاهیم تقلب (کرسی، ۱۹۵۰) یکی از انگیزه های شرکت یا مدیران به منظور ارتکاب به تقلب، افزایش فشار مالی و نیازها است. در همین راستا، کیفیت مدیریت شرکت می تواند بر ارزش شرکت نیز تأثیرگذار باشد (چمانور و همکاران، ۲۰۰۵). بازرسان معمولاً با محدودیت زمانی و منابع مواجه هستند بنابراین آنها به شرکت های بدون مدیران توانا جذب خواهند شد. به بیانی دیگر، توانایی مدیریت انتظار تقلب در صورت های مالی را نیز کاهش می دهد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷). سؤال دیگری که مورد توجه پژوهش حاضر قرار می گیرد، توجه به نقش ارتباطات سیاسی بر توانایی مدیریت و احتمال تقلب در صورت های مالی است. در محیط هایی نظیر کشور چین که ویژگی اصلی اقتصاد آن مبتنی بر روابط است، این امر بیشتر صادق است (چن و همکاران، ۲۰۱۲). در این چنین محیط هایی شرکتها مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی را به واسطه ارتباطات حل می کنند، بنابراین کیفیت صورت های مالی آنها

نیز در سطح پایینی قرار دارد (بال و همکاران، ۲۰۰۵).

این امر حاکی از آن است که کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های دارای ارتباطات سیاسی کاهش و به تبع احتمال تقلب در گزارشگری مالی با افزایش سطح ارتباطات افزایش می یابد. در این شرایط، ارتباطات سیاسی توانایی و انگیزه مدیر یک شرکت را برای ارائه گزارش مالی با کیفیت تضعیف می کند. از این رو است که به طور کلی، اثربخشی توانایی مدیریت در کاهش تقلب با افزایش ارتباطات سیاسی کاهش می یابد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷).

شرکت های دارای ارتباطات سیاسی از مزیت های این ارتباطات بهره مند می شوند و در عوض منابعی را نیز صرف ساختن چنین روابطی می نمایند. به منظور همراه کردن سرمایه گذاران و بهره مندی از منافع شخصی به حساب سرمایه گذاران، شرکت های دارای ارتباطات سیاسی تمایل به ابهام بیشتر در صورت های مالی دارند بنابراین احتمال تقلب نیز در این شرکت ها افزایش می یابد (گروس و همکاران، ۲۰۱۶). تلاش برای کسب ثروت بدون اینکه منافع برای اجتماع حاصل نماید در محیط هایی نظیر چین امری شایع است. به منظور کاهش رقابت های ناسالم به منظور کسب این چنین منافع و همچنین پیشگیری از تحریم های اجتماعی، شرکت های دارای ارتباطات سیاسی تمایلی به افزایش افشا و کیفیت بالای گزارشگری مالی ندارد. به طور کلی می توان گفت در محیط های اقتصادی که جرایم ارتکاب تقلب در صورت های مالی بسیار کم و ناچیز هست انگیزه اشخاص به منظور افزایش کیفیت گزارشگری مالی نیز کاهش می یابد؛ بنابراین شرکت های دارای ارتباطات سیاسی به احتمال بیشتری در ارتکاب تقلب در صورت های مالی دخیل می باشند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷).

طبق تئوری نمایندگی، حسابرسی مستقل نقش نظارتی دارد که سویه های گزارشگری مالی که از انگیزه های مدیریت ناشی می شود را حداقل نماید (خاشعی و زرگران، ۱۳۹۷). تحقیقات قبلی نشان دادند که روابط سیاسی انگیزه هایی برای تحریف گزارش های مالی فراهم می کند و شفافیت اطلاعات حسابداری را کاهش می دهد. بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) گزارش کردند که مالکیت سهام توسط دولت تاثیر منفی بر شفافیت اطلاعات مالی دارد، در حالی که نتایج تحقیق بوشمن و پیتروسکی (۲۰۰۶) نشان داد سودها در شرکت هایی با اقتصاد دولتی و مالکیت دولتی دارای محافظه کاری بیشتری هستند. چانی و همکاران (۲۰۱۱) رابطه منفی بین روابط سیاسی و کیفیت سود را گزارش نمودند. پیتروسکی و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند که شرکت های دارای روابط سیاسی تمایل به مخفی نمودن اطلاعات در زمان عملکرد اقتصادی ضعیف دارند زیرا این شرکت ها انگیزه هایی برای پنهان کردن این اطلاعات از سهامداران اقلیت دارند که این امر از فساد سیاسی ناشی می شود. برای سبک کردن هزینه های نمایندگی ناشی از روابط سیاسی، بایستی از حسابرسی مستقل استفاده نمود تا در صورت وجود روابط سیاسی، در صورت لزوم اظهار نظر تعدیل شده ارائه نمایند. حسابرس مورد نظر برای کاهش هزینه نمایندگی بایستی دارای درجه استقلال بالایی باشد و به دنبال سواستفاده از این روابط سیاسی در راستای منافع شخصی و سازمانی نباشد (هو و همکاران، ۲۰۱۷).

نتایج تحقیقات قبلی مؤید این است که شرکت های دارای روابط سیاسی منافع اقتصادی مختلفی را از طریق این روابط بدست می آورند. بطور مثال این شرکت ها دسترسی آسان تری به قانون گذاران دارند (میلیو و همکاران، ۲۰۱۰) و تاثیر قابل توجهی بر فرایند قانون گذاری دارند (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶)، قراردادهای کاری دولتی بیشتری منعقد می نمایند (گلدمن و همکاران، ۲۰۰۹)، و دسترسی آسان تر و کم هزینه تری به منابع تامین مالی و سرمایه دارند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ هوستون و همکاران، ۲۰۱۴). در شرایط حاد نیز روابط سیاسی می تواند به عنوان مکانیزم بیمه به شرکت کمک نماید (دوچین و سوسیورا، ۲۰۱۲). از طرفی مشکلات نمایندگی و راهبری شرکتی می تواند مانعی برای شرکت های سیاسی باشد و منجر به فعالیت های کاهنده ارزش شرکت شود. برای کاهش این هزینه های نمایندگی در شرکت های دارای روابط سیاسی گودامی و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند که این شرکت ها تمایل

بیشتری به استخدام موسسات حسابرسی بزرگ دارند تا این موسسات به واسطه اعتبار و شهرتی که دارند حسابرسی باکیفیت تری انجام دهند. طبق تحقیقات قبلی موسسات حسابرسی بزرگ نسبت به موسسات کوچک کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. دلیل امر انگیزه شهرت موسسه حسابرسی و مسئولیت های حقوقی و قانونی موسسه حسابرسی می باشد (مانسی و همکاران، ۲۰۰۴).

به همین دلیل موسسات حسابرسی بزرگ ساز و کارهای نظارتی دقیق و روشنی دارند. برای مثال اخیراً در کشورهای آلمان (وبر و همکاران، ۲۰۰۸) و ژاپن (اسکینر و سرینویسان، ۲۰۱۲) انگیزه شهرت موسسات حسابرسی بزرگ را در افزایش کیفیت حسابرسی ثابت کردند. بنابراین موسسات حسابرسی بزرگ نقش بااهمیتی در محدود کردن روابط سیاسی مدیران که باعث کاهش ارزش شرکت و مخدوش شدن گزارشگری مالی می شوند دارند. با وجود اینکه تحقیقات درباره انتخاب موسسات حسابرسی بزرگ در زمینه های متعدد انجام شده (مانند چانی و همکاران، ۲۰۰۴؛ لاندسمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ کیم و پارک، ۲۰۱۴)، اما دلایل تقاضا برای موسسات حسابرسی متخصص در صنعت مشخص نمی باشد. ادبیات موجود بیان می کند که حسابرسان متخصص در صنعت باعث بهبود شناسایی گزارشگری متقلبانه سود می شوند (جانسون و همکاران، ۱۹۹۱)، تحلیل های خاص صنعت را بهتر انجام می دهند (سالومون و همکاران، ۱۹۹۹)، و توانایی بهتری در محدود کردن اقلام تعهدی اختیاری دارند (بالسام و همکاران، ۲۰۰۳؛ ریچلت و وانگ، ۲۰۱۰). پیش بینی ما بر این است که شرکت های دارای روابط سیاسی به منظور کاهش هزینه های نمایندگی و مزایایی که حسابرسان متخصص در صنعت برای این شرکت ها فراهم می کنند، اقدام به انتخاب این گونه موسسات حسابرسی نمایند. از طرفی معاملات با اشخاص وابسته پدیده ای است که افزون بر اینکه رسوایی های اخیر مالی را بدان نسبت می دهند، می تواند موجب از دست رفتن ثروت سهامداران شود و مدیران به جهت سرپوش گذاشتن بر روی این انتقال ثروت، به مدیریت سود اقدام کنند. معاملات با اشخاص وابسته یکی از روش های بالقوه ای است که افراد داخلی می توانند از آن طریق، سهامداران خارجی را از فرآیندهای شرکت بیرون کنند (راینگارت و توماس، ۲۰۱۲).

کیفیت مدیریت شرکت می تواند یک اثر تأییدکننده ای بر ارزش شرکت داشته و از طریق ارائه گزارش های سودمند و انتشار آن ها در بازار سرمایه می تواند زمینه ی اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی فراهم نماید. و از طرفی ارتباطات سیاسی، انگیزه ی مدیران در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت های مالی تحت تأثیر قرار می دهد. لذا محقق در پی این است که تاثیر قابلیت های مدیریت و ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### قابلیت مدیریت

توانایی مدیریت یکی از بعدهای سرمایه انسانی شرکت هاست که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می شود. دمرجیان و همکاران توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می کنند (خاشعی و زرگران، ۱۳۹۷). این منابع در شرکت ها شامل بهای موجودی ها، هزینه های فروش، اداری و عمومی، دارایی های ثابت مشهود، اجاره های عملیاتی، هزینه های تحقیق و توسعه و دارایی های نامشهود شرکت می شود (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). توانایی مدیریتی بالاتر می تواند منجر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت شود، بویژه در دوره های بحرانی عملیات که تصمیم گیری های مدیریتی می تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. مدیران توانا تر به احتمال بیشتر در طرح هایی سرمایه گذاری می کنند که ارزش فعلی خالص مثبت بالاتری دارد و هم چنین توانایی بیشتری در اجرای مناسب آن خواهند داشت. افزون بر این، در دوره هایی که شرکت با بحران روبه رو است، مدیران توانا تر، تصمیم گیری مناسب تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (اندرو و همکاران، ۲۰۱۴). اعتقاد بر این است که مدیران توانا تر درک مناسب تری از فن آوری و روند صنعت دارند و با اتکای بیشتری می



توانند تقاضای محصولات را پیش بینی کنند. هم چنین، سرمایه گذاری مناسب تر در طرح های ارزش تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است. انتظار می رود در کوتاه مدت این مدیران بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند یا با استفاده از منابع کم تر، بتوانند به سطح معینی از درآمد دست یابند (بیشینه کردن کارایی منابع مورد استفاده) (دمیرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). تصمیم های ضعیف و مهارت پایین مدیر در رهبری می تواند شرکت را به سمت ورشکستگی سوق دهد (لورتی و گریس، ۲۰۱۲). مدیران توانمندتر دانش و آگاهی بیشتری در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی دارند و هم چنین قادرند درک بهتری در ارتباط با استانداردهای پیچیده تر داشته و آن ها را به درستی اجرا کنند (دمیرجیان و همکاران، ۲۰۱۳).

انتظار بر این است که با افزایش توانایی مدیریت، ارزش بنگاه اقتصادی بیشتر شود (خاشعی و زرگران، ۱۳۹۷). در واقع، بنگاه اقتصادی که به وسیله مدیر کارآمدی اداره می شود، دارای ارزش بیشتری نزد سرمایه گذاران خواهد بود. چامر و پاگلیس (۲۰۰۵) و چامر و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود بیان کردند که بنگاه اقتصادی با مدیر توانا، نامتقارنی اطلاعات کم تری داشته و سرمایه گذاران ارزش چنین شرکتی را به خوبی درک می کنند. به عبارت دیگر، مدیران توانمندتر قادرند از طریق کاهش نامتقارنی اطلاعات، ارزش ذاتی شرکت را بهتر به سرمایه گذاران منتقل کنند. بنابراین، چنین شرکتی از اهرم مالی خود کاسته و در هنگام تأمین مالی به افزایش سرمایه روی خواهد آورد. در چنین حالتی فرضیه ارزش - فرانسیز مطرح می شود؛ به این معنی که شرکت های با مدیران توانمندتر از کارایی بالاتری برخوردار بوده و حاضر نیستند با افزایش بدهی ها، سودها و ارزش فرانسیز آینده خود را با خطر مربوط به هزینه های ورشکستگی و بحران مالی مواجه سازند. در مقابل فرضیه مذکور، فرضیه خطر - کارایی مطرح می شود. این فرضیه بیان می دارد که شرکت های با مدیران توانمندتر، به احتمال بیشتری بازده بالاتری کسب می کنند و این بازده بالاتر می تواند به عنوان سپری در مقابل خطر پرتفوی عمل کند. لذا، چنین شرکت هایی وضعیت بهتری برای استفاده از بدهی به جای افزایش سرمایه دارند. بر اساس این فرضیه، شرکت های با مدیران توانمندتر و به دنبال آن کاراتر، اهرم مالی بالاتری خواهند داشت چرا که در این شرایط انتظار بر این است که هزینه های ورشکستگی و بحران مالی کم تر باشد (مارگاریتیز و سیلاکی، ۲۰۱۰).

### گزارشگری مالی متقلبانه

گزارشگری مالی متقلبانه، تحریف یا حذف عمدی مبالغ یا موارد افشا از صورت های مالی برای فریب استفاده کنندگان صورت های مالی است که شامل بازی اعداد مالی می شود. بازی اعداد مالی، به کارگیری روش های حسابداری ساختگی برای دگرگون سازی برداشت استفاده کنندگان صورت های مالی از عملکرد تجاری شرکت است.

روش های حسابداری ساختگی یعنی به کارگیری یک یا چند روش برای بازی با اعداد مالی شامل انتخاب و به کارگیری رویه های حسابداری به گونه ای متهورانه و هرگونه اقدامی برای مدیریت یا هموارسازی سود. روش های بازی با اعداد مالی به شرح زیر است:

حسابداری متهورانه: انتخاب و به کارگیری آگاهانه رویه های حسابداری به گونه ای که منجر به دستیابی به نتایج موردنظر، به ویژه سود بیشتر شود. ممکن است به کارگیری رویه انتخاب شده، مطابق با استانداردهای حسابداری باشد یا نباشد. مدیریت سود: دستکاری سود به گونه ای پویا که منجر به دستیابی به هدف از پیش تعیین شده، شود. سود هدف ممکن است توسط مدیریت، پیش بینی تحلیلگران یا برای حفظ روند سود، تعیین شده باشد. هموارسازی سود: گونه ای از مدیریت سود که برای از بین بردن افت و خیزهای سود نسبت به روند عادی آن طراحی شده است. هموارسازی سود شامل مراحل برای نگهداشت (انبار کردن) سود در سال های خوب برای استفاده از آن در سال هایی است که سود، چندان خوب نیست. همواره این ریسک وجود دارد که صورت های مالی دچار گزارشگری مالی متقلبانه شده باشد. ریسک گزارشگری مالی متقلبانه عبارت است از اینکه بنگاه اقتصادی به عمد نتایج مالی خود را تغییر دهد که این اغلب حساب سازی نامی ده می شود. روش های عمومی حساب سازی به شرح زیر است: دستکاری سود و زیان: هرگاه

بنگاهی بخواهد سودش (برای مثال سود خالص) را بزرگ کند؛ می تواند هر یک از این فنون را به کار برد: ۱. بیش نمایی دارایی ها، ۲. کم نمایی بدهی ها، ۳. بیش نمایی درآمدها و ۴. کم نمایی هزینه ها. گرچه بیشتر تقلب های مشهور برای بالا بردن سود رخ داده است؛ برخی از بنگاه ها می خواهند نتایج را بدتر از واقع گزارش کنند. روش های دستیابی به این هدف دقیقاً عکس روش های بزرگ نمایی سود و شامل: ۱. کم نمایی دارایی ها، ۲. بیش نمایی بدهی ها، ۳. کم نمایی درآمدها و ۴. بیش نمایی هزینه ها است. طبقه بندی نادرست معاملات: یک بنگاه اقتصادی می تواند بدون تغییر سود یا زیان خالص نیز نتایج مالی را تحریف کند. چنین تحریفی با کم نمایی و بیش نمایی حساب های گوناگون مرتبط به یک مبلغ رخ می دهد ولی سود بدون تغییر باقی می ماند. تغییر یادداشت ها بنگاه ها می توانند با دستکاری افشای انجام شده در یادداشت های توضیحی، خوانندگان صورت های مالی را گمراه کنند. مدیریت ممکن است موارد مهمی را افشا نکند یا ارقام مندرج در یادداشت های توضیحی صورت های مالی را تغییر دهد؛ این را روشی ساده (گرچه تا اندازه ای پیچیده) برای فریب دادن خوانندگان صورت های مالی می دانند. برای نمونه، ممکن است برای بهتر نشان دادن سود عملیاتی، برخی از درآمدهای غیرعملیاتی به عنوان عملیاتی طبقه بندی شود. بازی اعداد مالی و گزارشگری مالی متقلبانه، نبود تقارن اطلاعاتی میان استفاده کنندگان را می افزاید و تصمیم گیری مبتنی بر اقلام دستکاری شده در صورت های مالی، موجب زیان استفاده کنندگان ناآگاه خواهد شد. یکی از پیامدهای این گونه تقلب، توزیع متقارن ثروت و انتقال ثروت از افراد ناآگاه از تقلب به افراد آگاه از آن است. در گزارش سال ۲۰۱۲ ACFE آمده است که تقلب صورت های مالی گران ترین گونه تقلب است؛ یعنی بیشترین زیان را تحمیل می کند. با وجود این، سوءاستفاده از دارایی ها بیشترین فراوانی را داشته و سوءاستفاده از موقعیت شغلی نیز بین این دو قرار گرفته است. در نتیجه، حسابرسان و همچنین استفاده کنندگان صورت های مالی باید همواره به ریسک گزارشگری مالی متقلبانه توجه داشته باشند؛ به ویژه هنگامی که انگیزه و شواهد گزارشگری مالی متقلبانه وجود دارد. در گزارش سال ۱۹۹۹ کمیته بلو ریون در خصوص بهبود اثربخشی کمیته حسابرسی شرکت ها، پیشنهاد شماره ۸ به شرح زیر آمده است:

کمیته پیشنهاد می کند استانداردهای حسابرسی، حسابرسان مستقل را ملزم سازد که قضاوت خود درباره کیفیت (و نه صرفاً قابلیت قبول) اصول حسابداری مورد استفاده در تهیه صورت های مالی شرکت را با کمیته حسابرسی به بحث بگذارند.

مباحثه باید شامل مسائلی نظیر شفافیت افشای مالی و درجه تهاجمی (خوشبینی) یا محافظه کاری (بدبینی) اصول و برآوردهای حسابداری و سایر تصمیم های مهم مدیریتی باشد که در تهیه صورت های مالی به کار رفته و توسط حسابرسان مستقل بررسی شده است. این الزام باید به گونه ای نوشته شود که بحث و مذاکره آزاد و صریح را تشویق کند و از زبان استاندارد شده و غیرمنعطف بپرهیزد.

در پاسخ به این پیشنهاد، هیئت استانداردهای حسابرسی، استاندارد حسابرسی شماره ۶۱ را اصلاح کرد و پیشنهاد فوق را الزامی نمود.

در پرتو الزام های جدید، حسابرسان، اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت می کوشند کیفیت گزارشگری مالی را تعریف کنند. در آوریل ۲۰۰۰، انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA) رهنمودی در مورد روش و زمان ارتباط با کمیته حسابرسی منتشر کرد و ده گروه از موضوع هایی را که مدیریت و حسابرسان می توانند مورد بحث قرار دهند فهرست نمود. به هر حال، درباره کیفیت فقط گفته شده است که: معیاری عینی برای کمک به ارزیابی یکنواخت اصول حسابداری مورد استفاده در تهیه صورت های مالی یک واحد تهیه نشده است. استاندارد شماره ۶۱ سمت و سوی بحث و مذاکره با کمیته حسابرسی را به مواردی که اثر با اهمیتی بر صورت های مالی دارد، شامل بیان صادقانه، قابلیت رسیدگی، بی طرفی و ثبات رویه سوق داد. این خصوصیات می تواند مبنایی برای بحث کیفیت به مفهوم عام کلمه قرار گیرد، زیرا این ویژگی ها در بیانیه مفهومی شماره ۲ هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) به

عنوان خصوصیات مطلوب اطلاعات مالی ارائه شده است.

طبق اطلاعات موجود، مدل جامعی فراتر از بیانیه مفهومی شماره ۲، برای ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی طراحی نشده است.

### ارتباطات سیاسی

در خصوص نوع رابطه و تأثیرگذاری مالکیت سهامداران نهادی و عمده با عملکرد و ارزش شرکت تاکنون نظرات مختلفی ارائه شده که برخی از آنها به شرح زیر است:

### فرضیه نظارت کار<sup>۱</sup>

براساس این فرضیه، سهامداران نهادی و سهامداران عمده‌ای که خارج از شرکت قرار دارند در مقایسه با سهامداران خرد، به دلیل برخورداری از امکانات، تخصص و تجربه بالا با هزینه کمتری می‌توانند بر عملکرد مدیران نظارت داشته باشند. بنابر این می‌توان رابطه مثبتی را بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت انتظار داشت.

### فرضیه همسویی استراتژیک<sup>۲</sup>

براساس این فرضیه، گاهی ممکن است انتظارات سهامداران نهادی با منافع مدیران گره بخورد و به واسطه انطباق منافع این دو گروه، منافع سهامداران خرد نادیده گرفته شود. در صورت بروز چنین وضعیتی، آثار مفید مورد انتظار از اعمال نظارت مؤثر توسط سهامداران عمده بر مدیران، کاهش می‌یابد در این حالت در واقع نوعی تضاد منافع بین سهامداران عمده و سایر مالکان مشاهده می‌شود که به دلیل قدرت تأثیرگذاری سهامداران عمده، این تعارض در نهایت به ضرر سهامداران دیگر خواهد بود.

### تأثیر سهامداران عمده مالی بر هزینه‌های نمایندگی

در خصوص تأثیرات احتمالی سرمایه‌گذاران نهادی مالی بر هزینه‌های نمایندگی بحث‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران صورت گرفته است (خاشعی و زرگران، ۱۳۹۷). هنگامی که مالکان عمده شرکت خود از گروه شرکت‌های سرمایه‌گذاری باشند مدیران پرتفوی این شرکت‌ها نقش وکیل و سهامدارانشان نقش موکل را دارند. همزمان با ارزیابی عملکرد شرکت‌های بورسی توسط مدیران پرتفوی شرکت سرمایه‌گذاری، عملکرد خود این مدیران نیز از سوی سهامداران شرکت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بازده پرتفوی شرکت سرمایه‌گذاری نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت یا تزلزل موقعیت شغلی مدیران شرکت خواهد داشت.

همچنین هنگامی که سهامدار نهادی از نوع نهادهای مالی باشد با توجه به تجربه، تخصص و توانایی ارزیابی و مدیریتی بالای خود می‌تواند با استفاده از حق رأی بالایی که دارد نظارت بهتر و مؤثرتری بر مدیریت شرکت سرمایه‌پذیر اعمال کند و انتظار می‌رود حاصل این نظارت ارائه توصیه‌های لازم، افزایش بازده و بهبود عملکرد شرکت سرمایه‌پذیر باشد (بال و شیواکومار، ۲۰۰۶).

### ترکیب مالکیت و سهامداران خارجی

در اقتصادهای آزاد و بازارهای سرمایه بین‌المللی بخشی از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی قرار دارد. این پدیده

1 Efficient Monitoring Hypothesis

2 Strategic Alignment

حتی در چارچوب اقتصاد از ابعاد مختلفی قابل بررسی است که در این گزارش صرفاً اثرات وجود سهامداران خارجی در ترکیب سهامداری بر بازده و ارزش شرکتها مورد توجه قرار می گیرد. به موازات گسترش جهانی سازی در بازارهای مالی، نقش سرمایه گذاران خارجی در شرکتها بیشتر و پررنگ تر می شود.

به زعم برخی صاحب نظران به دلایل مختلف حضور سهامداران خارجی در ترکیب مالکیت می تواند بهبود عملکرد و افزایش بازده و ارزش شرکت را به دنبال داشته باشد که عبارتند از:

اعمال نظارت بیشتر بر مدیران؛

افزایش تخصص و تجربه مدیریتی شرکت؛

ورود سرمایه های جدید و افزایش انعطاف و توان مالی شرکت؛

تسهیل و تسریع پیوستن شرکت به بازارهای سرمایه جهانی و کاهش نرخ هزینه سرمایه (حساس یگانه، ۱۳۹۴).

آیدین، ساییم و یالاما بررسی می کنند که آیا شرکت های ترکیه ای که دارای مالکیت خارجی هستند به گونه معنی داری بهتر از شرکت هایی که دارای مالکیت داخلی هستند عمل می کنند؟ در این پژوهش از آزمون تی و متغیرهای حاشیه سود عملیاتی شرکتها، بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام و اطلاعات تمام شرکت های حاضر در بازار بورس استانبول برای سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، استفاده شده است. نتایج آنها نشان می دهد که شرکت های دارای مالکیت خارجی، از نظر بازده دارایی ها، بهتر از شرکت هایی که دارای مالکیت داخلی هستند عمل می کنند. شواهد این پژوهش، از این فرضیه که مشارکت مالکیت خارجی عملکرد شرکت را بهبود می بخشد، نیز حمایت می کند.

### فرضیه اکتساب نجات بخش<sup>۱</sup>

این فرضیه که در چارچوب مبحث ادغام و اکتساب شرکت ها قابل طرح است در درجه اول به خرید و تملک سهام شرکت های ضعیف داخلی یک کشور توسط سرمایه گذاران خارجی می پردازد؛ پدیده ای که به دنبال بحران مالی ۱۹۹۷ آسیا در بازارهای مالی کشورهای در حال توسعه بروز کرده است (سئوک و جونخوا، ۲۰۰۴).

### پیشینه پژوهش

تانگ و چن (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی اثر تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های تایوانی در سال های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ پرداختند. جامعه آماری آنها شامل ۱۱۴۹۴ مشاهده سال - شرکت بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را کاهش می دهد.

یو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر بیش سرمایه گذاری در شرکت های چینی در سال های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۴ پرداختند. جامعه آماری شامل ۸۳۹ مشاهده سال شرکت بوده است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که تأثیر ارتباطات

<sup>1</sup> Rescue Acquisition Hypothesis



سیاسی بر بیش سرمایه گذاری اثر مثبت و معناداری وجود دارد.

میرزا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی رابطه توانمندسازی مدیریتی و مدیریت ریسک سازمانی با تأکید بر نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی در شرکت های آمریکایی در سال های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۵ پرداختند. جامعه آماری شامل ۱۵۰۷ مشاهده سال-شرکت بوده است. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین توانمندی مدیریتی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، ارتباطات سیاسی می تواند ارتباط توانمندی مدیریتی و مدیریت ریسک سازمانی را تضعیف کند.

کامارودین و همکاران (۲۰۱۸) رابطه تنوع اعضای هیئت مدیره و تقلب صورت های مالی پرداختند. شاخص های مربوط به تنوع اعضای هیئت مدیره شامل تنوع جنسیتی، قومی، تنوع نقش هیئت مدیره می باشد. نمونه پژوهش شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی است که در مجموع ۱۲۴ شرکت که شامل ۶۲ شرکت که دارای صورت های مالی حاوی تقلب و ۶۲ شرکت بدون تقلب می باشد. با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک، یافته های پژوهش نشان داد که تقلب صورت های مالی با تنوع جنسیتی و تنوع نقش ها رابطه مثبت دارد. علاوه بر این، بین ویژگی های حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره، تعداد جلسه هیئت مدیره و نقش دوگانه مدیرعامل) و تقلب در صورت های مالی رابطه معناداری وجود دارد.

جرارد و مایلن (۲۰۱۷) تحقیقی در حوزه تقلب در صورت های مالی با عنوان بررسی شرکت های متقلب پرداختند و این موضوع را آیا انجام مدیریت سود توسط شرکت بر احتمال وقوع تقلب در صورت های مالی آن تاثیر دارد یا خیر را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که احتمال تقلب در شرکت هایی که دوره های پیشین اقدام به مدیریت سود کرده اند، بیش تر است.

دایلین (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان تاثیر تقلب در صورت های مالی بر عملکرد حسابرسان نشان دادند که آیا انواع معینی از تقلب گزارشگری مالی منجر به وقوع دعاوی با احتمال بالا علیه حسابرسان مستقل می شود یا خیر؟ آنها رده بندی جدیدی از انواع مدارک تقلب ارائه نمودند که شامل ۱۲ طبقه کلی می شود. آنها دریافتند که حسابرسان هنگامی که تقلب های گزارشگری مالی از انواع معمولی و یا هنگامی که تقلب های ناشی از مبادلات ساختگی را کشف نمایند بیشتر مورد توجه قرار می گیرند. به ارزیابی احتمال گزارشگری مالی متقلبان از طریق بررسی عوامل ریسک مثل تقلب پرداختند و دریافتند که گزارشگری مالی متقلبان همبستگی مثبتی با فشارهای مالی وارده بر شرکت، وجود درصد بالاتری از معاملات پیچیده در شرکت، زیر سوال بودن صلاحیت و درستکاری مدیریت، عدم وجود رابطه مناسب و خوب بین مدیریت و حسابرس دارد.

گودین و مالی (۲۰۱۶) در پژوهشی بیان کردند که شرکت های دارای ارتباطات سیاسی در مالزی، به طور عمده اهرم مالی بالاتری در مقایسه با سایر شرکت ها دارند و همچنین این شرکت ها به طور ذاتی ریسک بیشتری نسبت به شرکت های بدون ارتباطات سیاسی دارند. همچنین ایشان بیان کردند که سهامداران نهادی همچنین می توانند تضادهای نمایندگی را به واسطه مالکیت عمده خود، شدیدتر کنند. لذا به نظر می رسد که سهامداران نهادی سبب جدایی مالکیت و کنترل می شوند؛ در حالیکه درگیری فزاینده آنان در شرکت ها و متمرکز کردن مالکیت، راهی برای نظارت بر مدیریت شرکت ایجاد می کند. با توجه به دلایل ذکر شده، براساس فرضیه نظارت فعال، تمرکز مالکیت موجب می شود که بلوک داران، رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش سودهای بی کیفیت اصلاح کنند و در نهایت کیفیت سود را ارتقا دهند، یا این که طبق فرضیه منافع شخصی، سهامداران بزرگ ممکن است تمایل کمتری به تشویق مدیریت برای گزارش سود با کیفیت بالا داشته باشند که این می تواند نشانه رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و کیفیت سود باشد.

مایکل و گودی (۲۰۱۵) در پژوهشی تأثیر توانایی مدیران و مدیریت سود در شرکت های آمریکایی انجام داده اند. آنها به این نتیجه

رسیدند که بین میزان حسن شهرت مدیریت و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد. همچنین ایشان معتقدند که هیات مدیره، برای مدیریت محیط های عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر، مدیران مشهور و متخصص را به خدمت می گیرند و دلیل پایین بودن کیفیت سود این شرکت ها، محیط های عملیاتی متغیر و سایر ویژگی هایی درونی آنها است و اقدامات مدیریت ارتباطی به آن ندارد.

خو و ژائو (۲۰۱۵) در تحقیقی که در حوزه روابط سیاسی و ساختار مالکیت بود نشان دادند که در شرکت هایی که ساختار مالکیت آن متمرکز است، روابط سیاسی بیشتری وجود دارد، همچنین کیفیت سود گزارش شده در این شرکت ها پایین تر است. می توان بیان کرد که سرمایه گذاران نهادی در نظام راهبری شرکتی، نقش مهمی ایفا می کنند. آنان می توانند با دانش و تجربه کافی در زمینه های مالی و تخصصی، بر مدیریت شرکت نظارت داشته باشند. این امر می تواند مبنایی برای همسویی منافع مدیریت با منافع گروه سهامداران، در راستای حداکثرسازی ثروت سهامداران باشد (فرضیه نظارت فعال). با وجود این، مالکیت سهامداران نهادی می تواند تأثیرات منفی هم داشته باشد، مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه که عدم تقارن اطلاعاتی را بین آنان و سهامداران کوچکتر ایجاد می کند (فرضیه منافع شخصی).

رستگار (۱۳۹۹) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "بررسی اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانمندسازی مدیریتی و مدیریت ریسک سازمانی"، به بررسی رابطه بین توانمندسازی مدیریتی و مدیریت ریسک سازمانی با بررسی نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. جامعه آماری پژوهش حاضر پس از اعمال برخی از محدودیت های موجود در این تحقیق، متشکل از ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می باشد. برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین توانمندسازی مدیریتی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع، در شرکت هایی که مدیران توانایی بالاتری داشته اند، مدیریت ریسک سازمانی بیشتر بوده است. یافته های پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین توانمندسازی مدیریتی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. به عبارتی، در شرکت هایی که ارتباطات سیاسی وجود دارد، توانایی مدیران برای بهبود روش های مدیریت ریسک سازمانی کمتر است.

ابراهیمی (۱۳۹۸) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "تأثیر روابط سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته بر انتخاب موسسات حسابرسی متخصص در صنعت و موسسات حسابرسی بزرگ"، به بررسی روابط سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته بر انتخاب موسسات حسابرسی متخصص در صنعت و موسسات حسابرسی بزرگ پرداختند.

فلاح اقبال پور (۱۳۹۷) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "تأثیر ارتباطات سیاسی و عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین توانایی مدیریت و احتمال تقلب در صورت های مالی"، پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد ارتباطات سیاسی و عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین توانایی مدیریت و احتمال تقلب در صورت های مالی در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) بوده و از لحاظ هدف کاربردی است. به منظور گردآوری ادبیات تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است. روش این تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی مبتنی بر داده های ترکیبی است و برای بررسی میان متغیرهای مستقل و وابسته آن از روش آماری رگرسیون چند متغیره استفاده می شود. تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس روش مطالعه داده های ترکیبی<sup>۱</sup> رگرسیون داده های ترکیبی با اثرات ثابت (پنل) است.

<sup>۱</sup>-Panel Data

تحقیق توصیفی، آنچه را که هست توصیف و تفسیر می کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرآیندهای جاری، آثارمشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد. توجه آن در درجه اول به زمان حال است، هرچند غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می شوند مورد بررسی قرار می دهد (ابریشمی، ۱۳۹۳).

از بعد فرایند، یک تحقیق کمی، تحقیقی است که با یک نگرش عینی به جمع آوری و تحلیل داده های کمی می پردازد. در تحقیقاتی که به روش همبستگی انجام می شوند، هدف اصلی، مشخص کردن رابطه بین متغیرهای کمی است و اگر این رابطه وجود دارد تا چه اندازه می باشد.

در این تحقیق از دو دسته آزمون برای اثبات فرضیه ها استفاده می شود.  
جامعه آماری تحقیق عبارت است از تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ساله بین سال های ۱۳۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۱ که حائز شرایط زیر باشند:

۱. در طول دوره مورد بررسی به صورت پیوسته در بورس حضور داشته باشند؛
  ۲. شرکت ها در طول دوره تحقیق تغییر سال مالی نداده باشند؛
  ۴. در یک ماهه منتهی به سال مالی سهام معامله شده داشته باشند؛
  ۵. اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ به طور کامل ارائه کرده باشند.
- با اعمال محدودیت های ذکر شده، تعداد شرکت نمونه آماری تحقیق حاضر، ۱۳۵ شرکت تعیین شد.
- روش نمونه گیری در تحقیق حاضر به صورت نمونه گیری سیستماتیک می باشد.
- در این پژوهش جهت آزمون فرضیه از مدل پژوهش ژئی و همکاران (۲۰۱۷) استفاده می شود.

$$FRAUD_{it} = \beta_0 + \beta_1 MAABILITY_{it} + \beta_2 CPOLITCAL_{it} + \beta_3 size_{it} + \beta_4 lev_{it} + \varepsilon_5$$

که در آن

- $FRAUD_{it}$  گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛
- $MAABILITY_{it}$  قابلیت های مدیریت در شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛
- $CPOLITCAL_{it}$  ارتباطات سیاسی در شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛
- $size_{it}$  اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛
- $lev_{it}$  اهرم مالی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

قابلیت های مدیریت: این معیار با استفاده از یک رویکرد دو مرحله ای ایجاد می شود. اولین مرحله از رویکرد تحلیل پوششی داده ها استفاده می کند تا مشخص کند که منابع شرکت چطور مدیریت شده اند تا درآمدهایی را نسبت به رقبای شرکت ایجاد کنند؛ و مرحله دوم، بخش کارایی قابل انتساب به تیم اجرایی مدیران است. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) این معیار را به صورت مشخصه ای از توانایی مدیران تعریف می کند و نشان می دهد که این معیار ارتباط قوی با تاثیرات مثبت مدیران دارد و از توانایی فوق العاده ای برای توضیح تغییرات در عملکرد آتی شرکت و واکنش بازار سهام به CEO، نسبت به مشخصه های دیگر مدیریتی مورد استفاده در مطالعات پیشین برخوردار است (مثل سابقه عملکرد شرکت، تصدی CEO و پوشش رسانه ای CEO). استفاده از معیار دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به ما اجازه می دهد تا به بررسی این موضوع بپردازیم که یک جنبه خاص از توانایی مدیریت (توانایی مدیریت موثر منابع) چه ارتباطی با مالیات گریزی سازمانی دارد (دمیزجان و مکوی، ۲۰۱۲).

ما از متغیر MAScore مطرح شده در تحقیق دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده کرده ایم تا توانایی مدیران برای مدیریت موثر منابع را بررسی کنیم. استدلال زیربنایی این معیار، بر نحوه تبدیل موثر منابع شرکت (مثل سرمایه، نیروی کار و دارایی های

نامشهود) به درآمد، نسبت به رقبای دیگر صنعت مبتنی است. مدیرانی که اثربخشی بیشتری دارند، می توانند بازده بالاتری از یک مجموعه مشخص از ورودی ها به دست بیاورند. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از تحلیل پوششی داده ها (DEA) استفاده کرده اند تا اثربخشی شرکت با شکل گیری یک مجموعه پیشروی متشکل از سطح و ترکیب ورودی های مورد استفاده برای ایجاد خروجی، را برآورد کنند. محققین از روش DEA استفاده کرده اند و درآمد فروش ایجاد شده توسط هر شرکت در برداری از ورودی ها که شامل بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه های SG&A، خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات، خالص اجاره های عملیاتی، خالص هزینه های تحقیق و توسعه، سرقتی و سایر نامشهودات می باشد، مقایسه شده است (دمیزجان و مکوی، ۲۰۱۲):

$$[2a] \max_v \theta_t = \frac{Sales_t}{v_1 COGS_t + v_2 SG\&A_t + v_3 PPE_t + v_4 OpsLease_t + v_5 R\&D_t + v_6 Goodwill_t + v_7 OtherIntan_t}$$

بهینه سازی DEA مشخص کننده بردار خاص شرکت متشکل از وزن های بهینه مربوط به هفت متغیر ورودی است و ورودی های شرکت  $i$  با ورودی های دیگر شرکت های مربوط به همان صنعت-سال مقایسه شده است و امتیاز کارایی  $\theta$  محاسبه می شود که مقداری بین ۰ (برای شرکت هایی که کمترین کارایی را دارند) و ۱ (برای شرکت هایی که بیشترین کارایی را دارند) می گیرد.

ارتباطات سیاسی: اگر درصد سهام توسط دولت و یا نهادهای وابسته به دولت بیش از ۲۰ درصد باشد شرکت دارای ارتباط سیاسی است.

گزارشگری مالی متقلبان: در این پژوهش از تعداد شاخص های زیر برای سنجش گزارشگری مالی متقلبان استفاده می شود:

- شرکت هایی که حسابرسی آنها مردود شده
- شرکت هایی که حسابرسی آنها عدم اظهارنظر شده
- شرکت هایی که حسابرسی آنها مشروط بوده
- شرکت هایی که تأخیر در افشای اطلاعات بااهمیت باشد.
- شناسایی نادرست درآمدها و اندازه گیری درآمدهای تحقق یافته
- پیش نمایی در دارایی ها و موجودی های پایان دوره
- شناسایی نادرست هزینه ها و عدم اندازه گیری هزینه ها تحقق یافته
- کم نمایی در بدهی ها و استفاده نادرست و متقلبان از حساب های ذخیره
- عدم تهیه صورت های مالی با فرض توقف فعالیت شرکت هایی که فرض تداوم فعالیت آنها به شکل اساسی زیر سؤال رفته و در گزارش های حسابرسی باز یافت یافته است
- تأخیر در افشای اطلاعات بااهمیت.

در این پژوهش از روش های رگرسیونی استفاده شده است. چون داده های جمع آوری شده از نوع پانل دیتا می باشد از رگرسیون پانل دیتا برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. نرم افزار Eviews برای تجزیه و تحلیل داده ها و از دو نوع روش های تحلیل آماری زیر استفاده شده است

#### یافته ها

آمار توصیفی برای تعیین و بیان ویژگی های اطلاعات تحقیق ها به کار برده می شوند. در ابتدا آماره های توصیفی داده های تحت مطالعه محاسبه می گردد.



جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای مدل

انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	تعداد مشاهدات	نام متغیر	
۰.۵۰	۰.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۴۸۸	۶۷۵	گزارشگری مالی متقلبان	FRAUD <sub>it</sub>
۰.۰۹۶	-۰.۴۶۳	۰.۵۲۳	-۰.۰۰۰۹	-۰.۰۰۱	۶۷۵	قابلیت های مدیریت	MAABILITY <sub>it</sub>
۰.۵	۰	۱	۱	۰.۵۱۰	۶۷۵	ارتباطات سیاسی	CPOLITCAL <sub>it</sub>
۱.۵۹	۹.۰۶	۱۷.۲۹	۱۳.۶۷	۱۲.۵۷	۶۷۵	اندازه	SIZE <sub>it</sub>
۶.۳۵۶	۰.۱۲	۱.۸۸	۰.۷۰۹	۰.۶۵۹	۶۷۵	اهرم مالی	LEV <sub>it</sub>

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر روابط سیاسی مدیران برابر با ۰.۵ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. همچنین پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرهای تحقیق، اهرم مالی دارای بیشترین و قابلیت های مدیریت کمترین میزان پراکندگی را دارا می باشند.

### تحلیل ماهیت و ویژگی های متغیرهای تحقیق

با توجه اینکه در تحقیق حاضر اطلاعات مربوط به ۱۳۵ شرکت طی بازه ده ساله ۱۳۹۷-۱۴۰۱ گردآوری شده است و اطلاعات استخراج شده مشتمل بر متغیر وابسته و مستقل می باشد، که هدف تحقیق، بررسی رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است، بنابراین تحلیل رگرسیون مناسب ترین روش برای آزمون فرضیه های تحقیق است.

### نرمال بودن توزیع متغیرها

از جمله پیش فرض اساسی در استفاده از رگرسیون خطی مرکب و ANOVA نرمال بودن متغیرهاست. بدین منظور از آزمون ناپارامتریک کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است و در این آزمون فرض ها به صورت زیر تنظیم گردیده است.

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{توزیع متغیر مورد ارزیابی نرمال است.} \\ H_1: \text{توزیع متغیر مورد ارزیابی نمی نرمال باشد.} \end{array} \right.$$

طی جدول ۲ نتایج ارزیابی نرمال بودن توزیع متغیرهای مستقل و تابعی به صورت زیر خلاصه شده است:

جدول ۲ آزمون نرمال بودن متغیرها (کلموگروف-اسمیرنوف)

متغیرها	شرح پارامتر
روابط سیاسی	
۱۵۰	تعداد
۴.۸۵۰	ملاک آزمون
۰.۱۳۵	سطح معنادار

طی جدول ۲، مقدار آماره آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و باتوجه به سطح معناداری بدست آمده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف که بیشتر از سطح خطای آزمون ( $\alpha = 0.05$ ) است، می توان فرضیه  $H_0$  آزمون را پذیرفت. بنابراین مقادیر مربوط به متغیر از یک توزیع نزدیک به توزیع نرمال پیروی می کند.

### آزمون دیکی فولر تعمیم یافته جهت مانایی متغیرها

قبل از برآورد مدل رگرسیون بر روی داده ها، لازم است مانایی تک تک متغیرها بررسی شود چون در صورتی که متغیرها نامانا باشند، باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می شود. در این تحقیق برای بررسی مانایی متغیرها برای داده های ترکیبی، از آزمون (HADRI) استفاده شده است. فرض صفر در این آزمون وجود ریشه واحد یا بطور معادل، عدم مانایی متغیرها می باشد که اگر مقدار p-value کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد می شود و متغیرها مانا هستند. نتایج مربوط به این آزمون در جدول زیر منعکس شده است:

جدول ۳- نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر	تعداد	p-value
گزارشگری مالی متقلبانه	۶۷۵	۰.۰۰۰
قابلیت های مدیریت	۶۷۵	
ارتباطات سیاسی	۶۷۵	۰.۰۰۰
اندازه	۶۷۵	۰.۰۰۰
اهرم مالی	۶۷۵	۰.۰۰۰

p-value متغیرهای ذکر شده کمتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض صفر رد می شود و متغیرها مانا هستند.

### آزمون چاو و آزمون هاسمن

برای اینکه بتوان مشخص نمود که آیا داده های پانل جهت برآورد تابع مورد نظر کارآمدتر خواهد بود یا نه، فرضیه ای آزمون می شود که در آن کلیه عبارات ثابت برآورد با یکدیگر برابر هستند. فرضیات این آزمون که به آزمون چاو یا F مقید معروف است به صورت زیر می باشد:

$$\begin{cases} \text{مدل پولد} \leftrightarrow \text{عرض از مبداها باهم برابرند: } H_0 \\ \text{مدل پنل} \leftrightarrow \text{حداقل یکی از عرض از مبداها با بقیه مساوی نیست: } H_1 \end{cases}$$

در این آزمون فرضیه  $H_0$  یعنی یکسان بودن عرض از مبداها در مقابل فرضیه  $H_1$  یعنی ناهمسانی عرض از مبداها قرار می گیرد. در صورتی که فرضیه  $H_0$  پذیرفته شود به معنی یکسان بودن شیب ها برای مقاطع مختلف و قابلیت ترکیب شدن داده ها و استفاده از مدل رگرسیون ترکیب شده مورد تأیید آماری قرار می گیرد. اما در صورت رد فرضیه  $H_0$  روش داده های پانل پذیرفته می شود و می توان از روش داده های پانل استفاده کرد. جدول ۴، نتایج آزمون چاو برای فرضیه های مورد استفاده پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۴- نتایج آزمون چاو

شرح	Cross-section F		Cross-section Chi-square	
	احتمال	آماره	احتمال	آماره
فرضیه تحقیق	۰.۰۰۰	۷.۸۵۳	۰.۰۰۰	۱۷۶.۹۵۰

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده فرضیه تحقیق، فرضیه صفر آزمون چاو رد و در نتیجه با اطمینان ۹۵٪ می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. در فرضیه تحقیق با توجه به اینکه مقدار احتمال به دست آمده از آزمون F لیمر برابر با صفر می باشد، فرض صفر رد شده ( $p\text{-value} < 0.05$ ) و روش داده های تابلویی پذیرفته می شود.

همانطور که ملاحظه می گردد، نتایج آزمون چاو حاکی از انتخاب مدل اثرات ثابت برای فرضیه های تحقیق می باشد. حال می بایست مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی آزمون گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می شود. برای انجام این آزمون، ابتدا می بایست مدل اثرات تصادفی - زمانی را برآورد کنیم. فرضیات آزمون هاسمن برای بررسی وجود اثرات تصادفی به صورت زیر است:

$$\begin{cases} \text{مدل اثرات تصادفی} \leftrightarrow \text{بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود ندارد: } H_0 \\ \text{مدل اثرات ثابت} \leftrightarrow \text{بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد: } H_1 \end{cases}$$

جدول ۵ نتایج آزمون هاسمن فرضیه مورد استفاده پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۵- نتایج آزمون هاسمن

شرح	Cross-section random	
	احتمال	آماره
فرضیه تحقیق	۰.۰۰۰	۷۶.۹۶۵

سطح معنی داری به دست آمده در جدول ۵، نشان دهنده رد فرضیه صفر آزمون هاسمن مبنی بر عدم وجود همبستگی میان اثرات تصادفی و رگرورها و در نتیجه استفاده از آزمون اثرات ثابت است. با توجه به مقدار احتمال به دست آمده از آزمون هاسمن کوچکتر از ۰.۰۵ می باشد، فرض صفر آزمون هاسمن رد شده و روش اثرات ثابت پذیرفته می شود.

### آزمون همسانی واریانس

در محاسبات رگرسیون خطی فرض بر این است که جملات اخلال رگرسیون جامعه دارای واریانس یکسان هستند. در این تحقیق برای آزمون همسانی واریانس از سه روش بارتلت، لون و براون-فورسیته استفاده شده است. جدول ۶، نتایج آزمون های یاد شده را نشان می دهد. برای بررسی همسانی واریانس فرضیات به صورت زیر است:

$$\begin{cases} \text{همسانی واریانس برقرار است: } H_0 \\ \text{همسانی واریانس برقرار نیست: } H_1 \end{cases}$$

جدول ۶ نتایج آزمون همسانی واریانس مورد استفاده پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۶- نتایج آزمون همسانی واریانس

Brown-Forsythe		Levene		Bartlett		شرح
آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	
۳۲۵.۱۲۵	۰.۰۰۰	۲۰۳.۳۲۵	۰.۰۰۰	۹۸۵.۶۵۲	۰.۰۰۰	فرضیه تحقیق

با توجه به اینکه مقدار احتمال معنی داری کمتر از ۰.۰۵ است فرضیه صفر آزمون ها رد شده و در نتیجه همسانی واریانس برقرار نیست. لذا به جای استفاده از روش حداقل مربعات معمولی معمولی، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می شود.

## تجزیه و تحلیل فرضیه ها

## مدل تحقیق

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه از مدل پژوهش ژی و همکاران (۲۰۱۷) استفاده می شود.

$$FRAUD_{it} = \beta_0 + \beta_1 MAABILITY_{it} + \beta_2 CPOLITCAL_{it} + \beta_3 size_{it} + \beta_4 lev_{it} + \varepsilon_5$$

که در آن

$FRAUD_{it}$  گزارشگری مالی متقلبان در شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$MAABILITY_{it}$  قابلیت های مدیریت در شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$CPOLITCAL_{it}$  ارتباطات سیاسی در شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$size_{it}$  اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$lev_{it}$  اهرم مالی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

جدول ۷- نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه اول تحقیق

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره $t$	p-value	نتیجه فرضیه
$\beta_0$	۰.۷۲۸	۰.۰۶۰	۱۲.۱۲۳	۰.۰۰۰	تایید
$MAABILITY_{it}$	۰.۹۹۰	۰.۳۵۵	۲.۷۸۵	۰.۰۰۶	تایید
$CPOLITCAL_{it}$	۰.۲۴۴	۰.۰۷۵	۳.۲۴۲	۰.۰۰۱	تایید
$SIZE_{it}$	۰.۰۲۰	۰.۱۲۹	۰.۱۵۶	۰.۸۷۵	رد
$LEV_{it}$	۰.۰۰۱	۰.۰۱۵	۰.۰۹۲	۰.۹۲۶	رد
آماره دوربین واتسون		۱.۹۷۵	آماره F		۱۹.۱۱۴
Adjusted R-squared		۰.۶۱۸	Prob(F-statistic)		۰.۰۰۰



با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیون به شرح جدول فوق، مشاهده می شود که مقدار P-Value مربوط به آماره F (prob (F-statistic)) که بیانگر معنادار بودن کل رگرسیون است، برابر ۰.۰۰۰ بوده و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده R2 برابر ۰.۶۱۸ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. و همچنین آماره دوربین واتسون ۱.۹۷۵ می باشد، که این مقدار بین ۱.۵ تا ۲.۵ است، که نشان دهنده عدم خود همبستگی بین متغیرها می باشد.

فرضیه فرعی اول: قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

ضریب متغیر قابلیت های مدیریت شرکت برابر با ۰.۹۹۰ و عدد معناداری (Prob) آن ۰.۰۰۶ می باشد. با توجه به p-Value این متغیر، نتایج نشانگر معناداری این ضریب در سطح خطای ۵٪ می باشد. از این رو فرضیه فرعی اول تحقیق تایید می شود و می توان گفت قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

همانگونه که در جدول ۷، ملاحظه می شود، ضریب متغیر روابط سیاسی شرکت برابر با ۰.۲۴۴ و عدد معناداری (Prob) آن ۰.۰۰۱ می باشد. با توجه به p-Value این متغیر، نتایج نشانگر معناداری این ضریب در سطح خطای ۵٪ می باشد. از این رو فرضیه فرعی دوم تحقیق تایید می شود و می توان گفت ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

خلاصه نتایج فرضیات نیز در جدول ۸ ارائه شده است

#### جدول ۸- خلاصه نتایج بررسی فرضیات تحقیق

ردیف	فرضیه	نتیجه
اول	قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.	تایید
دوم	ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.	تایید

#### بحث و نتیجه گیری

در این بخش به بیان نتایج و فرضیات پرداخته شده است.

نتایج نشان داد که :

قابلیت های مدیریت و ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

برای بررسی فرضیه اصلی تحقیق، دو فرضیه فرعی تعریف شد. فرضیه ها به صورت زیر تعریف شدند.

قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

### تحلیل نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول به دنبال تاثیر قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه در بورس اوراق بهادار تهران بود. نتایج تحقیق نشان داد که با توجه به سطح معناداری ۰.۰۰۶ بدست آمده از رگرسیون چند گانه، تاثیر مثبت و معنادار قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه را در سطح اطمینان ۰.۹۵ تایید می کند و می توان نتیجه گرفت: قابلیت های مدیریت بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

از آزمون فرضیه فرعی اول و تجزیه و تحلیل آماری که بر روی اطلاعاتی مربوط به قابلیت های مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه در نمونه های انتخابی صورت گرفت، می توان به شرح زیر نتیجه گیری نمود:

بر طبق مبانی نظری، زمانی که در بازارهای سرمایه، هرچه قابلیت های مدیریت در هیئت مدیره شرکت بیشتر باشد، شاخص گزارشگری مالی متقلبانه شرکت نیز بالا خواهد بود.

مایکل و گودی (۲۰۱۵) در پژوهشی تاثیر توانایی مدیران بر مدیریت سود در شرکت های آمریکایی را تایید کردند که با نتیجه فرضیه نخست همخوانی دارد.

### تحلیل نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم به دنبال یافتن تاثیر ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در بورس اوراق بهادار تهران بود. نتایج تحقیق نشان داد که با توجه به سطح معناداری ۰.۰۰۱ بدست آمده از رگرسیون چند گانه، تاثیر مثبت و معنادار ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه را در سطح اطمینان ۰.۹۵ تایید می کند و می توان نتیجه گرفت ارتباطات سیاسی بر گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

از آزمون فرضیه فرعی دوم و تجزیه و تحلیل آماری که بر روی اطلاعاتی مربوط به ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه در نمونه های انتخابی صورت گرفت، می توان به شرح زیر نتیجه گیری نمود:

بر طبق مبانی نظری، زمانی که در بازارهای سرمایه، هرچه ارتباطات سیاسی در شرکت بیشتر باشد و روابط سیاسی شرکت قوی تر باشد، شاخص گزارشگری مالی متقلبانه نیز بالا خواهد بود.

## پیشنهادهای کاربردی تحقیق

### پیشنهادهای کاربردی تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، همواره به استفاده کنندگان صورت های مالی پیشنهاد می شود که هنگام تحلیل برای خرید سهام شرکت ها، به متغیرهایی که بر هزینه نمایندگی تاثیر می گذارند، همانند روابط سیاسی و همچنین به شاخصی که نشان دهنده هزینه نمایندگی است، توجه داشته باشند. سرمایه گذاران می توانند بعد از محاسبه متغیرهای مذکور با در نظر گرفتن استراتژی های خود در مورد خرید سهام یک شرکت، تصمیم گیری نمایند. همچنین قابل ذکر است که سرمایه گذاران همیشه به دنبال آن هستند که در شرکت هایی با ضریب تغییرات پایینی از سود سرمایه گذاری کنند تا سرمایه آنها با ریسک کمی مواجه شود. برای محاسبه این مورد نیز سرمایه گذاران می توانند از سودهای ارائه شده در صورت های مالی طی چند سال، ضریب تغییرات بگیرند و پس از محاسبه و تصمیم گیری اقدام به سرمایه گذاری نمایند.

با توجه به اینکه هدف مدیران این است که اعتماد مالکان شرکت را فراهم کنند، پس باید این نکته را در نظر بگیرند که با کاهش هزینه نمایندگی می توانند ذهنیت صورت گرفته در مورد استفاده از اختیارات مدیریت در زمینه دستکاری سود را از ذهن ذینفعان پاک کنند و سود را در روال عادی خود قرار دهند تا سرمایه گذاران بتوانند با تحلیل های عملیاتی و مالی، وضعیت آتی شرکت را پیش بینی نمایند و در مورد خرید سهام این شرکت ها تصمیم درستی بگیرند.

به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود با توجه به رابطه مثبت روابط سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه، برای مشخص شدن ارزش واقعی شرکت ها، شفاف سازی اطلاعات شان و درک بهتر عملکردشان، قوانین و مقرراتی اتخاذ کنند که تا حد امکان مدیران شرکت های پذیرفته شده، از اختیارات خود به منظور مدیریت سود استفاده نکنند و آن را بطور واقعی ارائه نمایند تا در نهایت بتوانند باعث کاهش تعارضات صورت گرفته توسط مدیران و سرمایه گذاران باشد.

### پیشنهادهایی برای تحقیق های آتی

با توجه به نتایج بدست آمده از این تحقیق، جهت انجام تحقیق های آتی پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می گردد:

- ✓ بررسی رابطه روابط سیاسی شرکت و هزینه سرمایه.
- ✓ تکرار این پژوهش با استفاده از سایر معیارهای روابط سیاسی در پژوهش های انجام شده قبلی.
- ✓ مقایسه قدرت توضیحی سایر معیارهای گزارشگری مالی متقلبانه با معیارهای روابط سیاسی.
- ✓ بررسی رابطه بین روابط سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه با نقش تعدیل گر سازوکارهای حاکمیت شرکتی.
- ✓ با توجه به اینکه تحقیق حاضر بر روی کل شرکت های بورسی انجام گرفته است، پیشنهاد می شود رابطه بین روابط سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه به تفکیک صنعت بررسی شود.

### محدودیت های تحقیق

در فرایند انجام یک پژوهش علمی، مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل محقق می باشد. ولی بطور بالقوه می تواند نتایج پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد. پژوهش حاضر هم از این قاعده مستثنی نبوده و از جمله محدودیت های حاکم بر آن که قابل کنترل هستند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. از مشکلات تحقیق حاضر در ارتباط با عدم دسترسی به منابع و مآخذ مرتبط به موضوع در کتابخانه ها، دانشگاه ها و سایر سازمان های کشور می باشد. جمع آوری مطالب جهت تکمیل فصل دوم با صرف مدت زمان بسیاری همراه بود. همچنین

اطلاعات مربوط به داده های فصل چهارم از جمله روابط سیاسی بطور کامل در پایگاه های اطلاعاتی ره آورد نوین موجود نبود که از طریق بررسی صورت های مالی و گزارشات هیات مدیره مشخص شد و موجب طولانی شدن زمان انجام تحقیق شد.

۲. استفاده از مبنای بهای تمام شده تاریخی در تهیه صورت های مالی شرکت ها، ممکن است موجب شود تا در صورت تعدیل اطلاعات صورت های مالی بر اساس تورم، نتایج پژوهش متفاوت از نتایج فعلی شود.
- و از جمله محدودیت های حاکم بر آن که غیر قابل کنترل هستند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:
۳. کارا نبودن بازار سرمایه ایران، به عنوان یک عامل مداخله گر می تواند نتایج پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد که کنترل آن توسط محقق امکان پذیر نمی باشد. این موضوع یکی از تنگناهای موجود در اجرای تحقیق حاضر است.

#### منابع

1. Al-dhamari, R. & Ku Ismail, K.N. (2015). Cash holdings, political connections, and earnings quality: Some evidence from Malaysia, *International Journal of Managerial Finance*, 11 (2): 215-231.
2. Ball, R. and L. Shivakumar. (2006). "The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition". *Journal of Accounting Research* 44 (2): 207-242.
3. Braama G., Monomita Nandy, Utz Weitzela, Suman Lodh.(2015), "Accrual-based and real earnings management and political connections", *The International Journal of Accounting*, Vol. 50, pp 111-141.
4. Ebrahimi, M. (2019). *The impact of political relationships and related party transactions on the selection of industry specialist audit firms and large audit firms* [Unpublished master's thesis]. Shahid Beheshti University.
5. Eghbalpour, K. F. (2018). The effect of political connections and information asymmetry on the relationship between management ability and the likelihood of fraud in financial statements [Unpublished master's thesis]. Parandak Higher Education Institute.
6. Kamarudin, K. A., Ismail, W. A. W., & Kamaruzzaman, A. A. (2018). Board Members Diversity and Financial Statements Fraud: Malaysian Evidence. In *State-of-the-Art Theories and Empirical Evidence* (pp. 165-183). Springer, Singapore.
7. Khashei, V., Zargaran, F., (2018). *Strategic Management of Lynch*, Fozhan pub, Tehran.
8. Mirza, M.M, Safdar, R., Yu, Y., Gulzar, M.A. (2019). *Managerial Empowerment and Firm Risk-Taking*, International Business School, Zhejiang Gongshang University, Hangzhou 310018, China.
9. Rastegar, M. A. (2020). The moderating effect of political connections on the relationship between management empowerment and enterprise risk management [Unpublished master's thesis]. Islamic Azad University, Shahr-e Qods Branch.
10. Seok Woo Jeong & Joonhwa Rho. (2004). "Big six auditors and audit quality: the Korean evidence". *The International Journal of Accounting* 39, p175-196
11. Wang, Z., Chen, M.H., Chin, CH.L., Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36 (2), 141-162.
12. Yu, X., Yao, Y., Huanhuan, ZH., Lin, ZH. (2019). The role of political connection on overinvestment of Chinese energy firms, <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104516>.